

فصلنامه پژوهش‌های حفاظتی-امنیتی
دانشگاه جامع امام حسین (علیه‌السلام)
سال دوازدهم، شماره ۴۷ پاییز ۱۴۰۲

نقش و جایگاه اطلاعات راهبردی در تأمین امنیت ملی

- محمد آشوری تازیانی
دکتری دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
- دکتر ابراهیم حسن بیگی
- دکتر حسن شیرازی
- دکتر سیاوش خلیلی شورینی

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۱۵

چکیده

مقاله حاضر در پی آن است که ضمن تعریف و تعیین ابعاد اطلاعات راهبردی، نقش و کارکرد آن در عرصه امنیت ملی را مورد بازکاوی و تحلیل قرار دهد تا به الگویی مناسب در این عرصه دست یافته و آن را معرفی کند. روش مورد استفاده در این پژوهش، روش «نظریه مبنایی» یا «گرنند تئوری» می‌باشد. مکانیزم عمل بدین شکل طراحی شده است که با تعیین جامعه آماری پژوهش که شامل نخبگان عرصه‌های امنیتی، راهبردی و مدیران عرصه‌های سیاسی و استراتژیک می‌شوند، دیدگاه‌های آنان در خصوص اطلاع راهبردی از روش اشباع نظری گردآوری شود. اطلاعات گردآوری شده استخراج، مقوله‌بندی و گزاره‌های تحلیلی و مفاهیم اساسی در خصوص اطلاعات راهبردی و فرایندهای آن بر مبنای تحلیل نتایج از آن استخراج و مورد تحلیل قرار گرفت. روش نمونه‌گیری در این پژوهش با استفاده از روش غیراحتمالی و به شکل هدفمند انجام گردید. نتایج پژوهش حاصل از روش نظریه مبنایی (گرنند تئوری) حاکی از آن است که اطلاعات راهبردی، در فرایندهای متفاوت ادراکی، تحلیل، تشخیص پدیده‌های امنیتی و سیاستگذاری استراتژیک و بویژه مقابله با تهدیدات و دستیابی به الگوی مناسب برای تحقق امنیت پایدار، نقش اساسی برعهده داشته و کارکردهای متفاوتی را ایفا می‌نماید. به تعبیر دیگر نتایج این پژوهش گویای این واقعیت است که تحکیم امنیت ملی تابع گردآوری، انباشت تحلیل و پردازش و بهره‌برداری هوشمندانه از اطلاعات راهبردی در عرصه‌های گوناگون است. این فرایند با تکمیل چرخه اطلاعات، نوسازی بازاندیشی و تکمیل مستمر و تحلیل دقیق اطلاعات امکان تحقق دارد.

کلید واژه‌ها: اطلاعات راهبردی، اطلاعات عملیاتی، اطلاعات تاکتیکی، امنیت ملی و نظریه مبنایی.

مقدمه و بیان مساله

گرچه بشریت در جهان کنونی تلاش کرده است از طریق تنظیم قطعنامه‌ها، پیمان‌نامه‌ها و تعریف و تعیین قوانین و هنجارها، ساخت ارتباطی کشورها را سامان و به آن انتظام بخشد اما کماکان این محیط آنارشیک بوده و ضریب اطمینان دولت‌ها و ملت‌ها در حد قابل قبولی قرار ندارد. کماکان دولت‌های بزرگ بهره‌مندی به مراتب بیشتری از مؤلفه‌ها، ابزارها، روش‌ها و امکان قدرت و اعمال قدرت در سطح جهانی برخوردارند. میل به استیلاجویی، تضاد و تعارض منافع، میل کشورها به نفوذ در محیط‌های امنیت داخلی یکدیگر برای ایجاد تهدید و یا کسب منافع و نفوذ امنیتی و راهبردی بیشتر، به‌ویژه کشورهایی که دارای رویکرد «واقع‌گرایی امنیتی» هستند، موجب گردیده است نه تنها این محیط و روابط آنارشیک تداوم یابد، بلکه در روندی سیال، مستمر و تعمیق‌کننده، این روابط آنارشیک غالب است. در شرایط کاملاً رقابتی که دولت‌های بزرگ علاوه بر ظرفیت‌های درون‌زا تلاش دارند با استعانت از ابزارهایی مثل نهادهای بین‌المللی، توان محدودکننده تکنولوژیک و استفاده یک‌جانبه از علوم و فنون راهبردی، سطح دسترسی‌های سایر کشورها را محدود و بالعکس بر دامنه ظرفیت‌ها، توان بازنگری و نفوذ هژمونیک خود را توسعه و تعمیق بخشند، بازیگری هوشمندانه، دسترسی به علوم و فنون مدرن، شکستن مرزهای دانش، کسب اطلاعات استراتژیک برای تأمین امنیت و منافع ملی و همچنین پیشبرد و تحقق اهداف ملی، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. کسب این اطلاعات با توجه به کارکردهایی است که می‌تواند در جهت پایداری، سازگاری، انطباق‌یابی، قدرت حفاظت و صیانت از منافع، توان و قدرت بازدارندگی ملی داشته باشد، در جهان جدید اهمیتی مضاعف یافته است. هرچه امنیت در سطح جهانی از بُعد سخت به ابعاد نیمه سخت و یا نرم سوق یابد اهمیت اطلاعات راهبردی افزایش می‌یابد؛ چرا که این رویکرد مستلزم دستیابی به اطلاعاتی است که نیازمند ایجاد زیرساخت‌های علمی، نرم‌افزاری و بنیان‌های بسیار پیچیده فکری- معرفتی است که بتواند در مقابل موج فزاینده الگوهای نوین که برای تغییر افکار، اذهان، نظامات فکری و معرفتی، ساختارهای هویتی و الگوهای رفتاری و به‌ویژه نفوذ درون‌زا طراحی و اجرا می‌شود، پایداری و مقاومت نماید. کسب این درجه از ظرفیت و توان در گام نخستین نیازمند الگوهای دقیقی است که در عرصه‌های متفاوت توان و ظرفیت، تاب‌آوری و پایداری ملی را تضمین نماید. روزآمدی، هوشمند، کارآمدی و بهره‌مندی از زیرساخت‌های مناسب سخت‌افزاری و نرم‌افزاری در این الگوست که می‌تواند دولت‌ها و ملت‌ها را در این شرایط نامتعیین، ناهنجار و آنارشیک مورد محافظت و صیانت قرار دهد.

گرچه الگوها می‌توانند تشابهاتی با یکدیگر داشته باشند اما عوامل گوناگونی مداخله می‌کنند تا هر کشور با توجه به ظرفیت، توان، تهدیدات، موفقیت ژئوپولیتیک، تمایزات و تضادها الگوی خود را تنظیم و سامان دهد. هر نوع کم‌توجهی و غفلت نسبت به این متغیرها می‌تواند سطح آسیب‌پذیری، تهدیدات، تأخر امنیتی و راهبردی و تضعیف سطح تحقق اهداف و منافع ملی را در پی داشته باشد. مسأله‌ای که به لحاظ استراتژیک اهمیت بنیادین دارد و در قالب یک موضوع راهبردی، نظام امنیتی و سیاسی کشور را متأثر می‌سازد، این است که «اطلاعات استراتژیک» چیست، ابعاد آن کدام است و چه عواملی در تعیین ابعاد، نیازها و دستیابی به آن مداخله کرده و فرایندها و چرخه بهره‌برداری از آن در قالب چه الگویی قابل مدل‌سازی است. الگویی که هم تشخیص و شاخص‌گذاری اطلاعات راهبردی را به درستی تبیین کرده و هم نحوه جمع‌آوری، تکمیل، تحلیل و برآورد و پیش‌بینی را به درستی مشخص و انگاره‌سازی نموده و بتوان از دسترسی و بهره‌مندی صحیح از این اطلاعات، اطمینان حاصل نمود. اهمیت این مسأله اقتضاء می‌نماید این الگو با استعانت از روش‌های دقیق طراحی و تمامی ابعاد، فرایندها و روندهای مکمل آن مورد توجه و در قالب یک مدل کامل ارائه شود. آنچه اهمیت دارد این است که در گام نهایی این الگو باید بتواند از منافع و امنیت ملی کشور در مخاطرات به درستی دفاع کرده و سطح ثبات و پایداری امنیت در کشور را ارتقاء و به سطح مطلوب و قابل اطمینان ارتقاء بخشد.

ادبیات پژوهش

شناخت مفهوم اطلاعات، سطوح و ابعاد آن مقدمه‌ای است برای تعریف اطلاعات راهبردی، کارکردها و نقش آن در فرایندهای اساسی سیاست‌گذاری ملی و جایگاه آن در تحکیم و پایداری امنیت ملی. در این بخش تلاش خواهد شد ضمن تعریف و مفهوم‌شناسی دقیق از اطلاعات راهبردی، ابعاد کارکردی و راهبردی این اطلاعات را در تأمین و استحکام بخش به امنیت ملی مورد بازکاوی و تحلیل قرار دهیم.

مفهوم اطلاعات

از نظر لغوی اطلاعات در فرهنگ لغت فارسی از ریشه اطلاع و به معنای واقف گردیدن، آگاه شدن، آگاهی و خبر آمده است (عمید، ۱۳۷۹: ۱۸۵). در فرهنگ لغت‌های دیگر نیز اطلاعات در همین معنی یا معانی مشابه بکار رفته است. در فرهنگ لاتین نیز این واژه از مصدر information به معنی شکل دادن به چیزی گرفته شده است. به همین جهت از این ریشه فعلی، برای ساخت دادن

به توده یا ماده درهم ریخته و نامنظم که فاقد معنی است استفاده و به آن معنی و مفهوم می‌دهد. بنابراین مناسب‌ترین واژه برای تمام داده‌هایی که وقتی کنار هم قرار می‌گیرد از نظم برخوردار و معنا و مفهوم خاصی را برای مصرف‌کننده می‌رساند، واژه اطلاعات است (محسنی، ۱۳۸۰: ۲۸).

گاه «اطلاعات» به عنوان محصول تعریف می‌شود، گاهی به مثابه یک فرآیند و گاه نیز به شکل ترکیبی از هر دو (گوستاو دی والک، ۱۳۹۲: ۴۴-۴۵)، بدین ترتیب که، از لحاظ نظری، اطلاعات هر نوع داده‌ای است که با استفاده از روش‌های مختلفی چون مطالعه، مشاهده، شایعه و سایر موارد جمع‌آوری شده باشد. در این نگاه برای اطلاعات معنایی خاص و از قبل تعریف شده‌ای، وجود ندارد و احتمال وجود یا برخورد با اطلاعات غیرصحیح و نادرست نیز وجود دارد (هیل، ۱۳۸۱: ۱۰۱). بسیاری از دست‌اندرکاران بر این باورند که آنچه به عنوان داده وارد سیستم ارزیابی و پرورش خبر می‌شود، از آن سو به عنوان نتیجه از آن خارج می‌گردد و این نتیجه خود می‌تواند در یک سیکل یا چرخه اطلاعات به مثابه داده به حساب آید. بنابراین چرخه ساده‌ای را که داده‌ها را به اطلاع تبدیل می‌کند، بشرح زیر می‌باشد:

Data → Evaluate → Information

در اینصورت آنچه به عنوان اطلاعات از این مسیر به دست می‌آید بر حسب نوع فعالیت‌هایی که روی داده‌های آن صورت گرفته است، حاوی ارزش‌های ویژه‌ای خواهد بود. البته این نکته شایان ذکر است که ارزیابی هر داده به عوامل و متغیرهای فراوانی بستگی دارد که تأثیر و تأثر آنها را نمی‌توان نادیده گرفت؛ بنابراین می‌توان دریافت که اطلاعات، آشکار و در دسترس خواهد بود و به همین سبب در سطوح آشکار از این واژه برای دانسته‌ها استفاده می‌شود (کلهر، ۱۳۸۴: ۲۶۰).

انواع اطلاعات

اطلاعات دارای تقسیمات و انواعی می‌باشد؛ لذا در مبحث پیش رو، از زاویه‌های مختلف به تقسیم‌بندی و تبیین انواع اطلاعات و کارویژه‌های آنها پرداخته می‌شود. آنچه حائز اهمیت است اینکه، اطلاعات در دو بُعد یعنی سطح و نوع دارای گوناگونی‌های ویژه‌ای است. اطلاعات به لحاظ تقسیم‌بندی موضوعی بیشتر تابع مضاف‌الیه خود می‌باشد. به عبارت دیگر، اگر اقتصاد را به عنوان یک مضاف‌الیه خاص بر آن بیافزائیم، مفهومی به نام اطلاعات اقتصادی شکل می‌گیرد. در وهله اول به نظر می‌رسد که این اطلاعات باید فقط به مفهوم اطلاعات به معنای دانسته‌ها اشاره داشته باشد ولی اینگونه نیست و در ادبیات راهبردی این اطلاعات به معنای خاص خود است که مضاف این وصف‌ها

قرار می‌گیرد. با این تعبیر، اطلاعات را می‌توان دست کم به صورت کلی به انواع اطلاعات سیاسی، اطلاعات اقتصادی، اطلاعات نظامی، اطلاعات امنیتی و اطلاعات اجتماعی تقسیم کرد. با کمی تسامح می‌توانیم بپذیریم که دیگر انواع اطلاعات می‌توانند به نحوی درون پنج دسته فوق دسته‌بندی و طبقه‌بندی شوند. برای مثال از اطلاعات فرهنگی و اطلاعات قومی می‌توان در حوزه اطلاعات اجتماعی سخن گفت و اطلاعات دفاعی را در اطلاعات نظامی و امنیتی تقسیم و تعریف کرد. به هر حال هرچند در این تقسیم، حصر از نوع استقرایی است و عقلی نیست، ولی عمده دسته‌بندی‌های اطلاعات را می‌توان در آن تبیین نمود.

در یک سطح بندی دیگر، می‌توان اطلاعات را بر اساس کاربرد، در سه سطح دسته بندی کرد: **اطلاعات استراتژیک (راهبردی):** اطلاعاتی که برای تکوین طرح‌های سیاسی و نظامی، در سطوح ملی و بین‌المللی مورد نیاز است را اطلاعات راهبردی گویند. این بالاترین سطح اطلاعات به دست آمده از اخبار جمع‌آوری شده، در گسترده ترین حوزه ممکن در پاسخ به نیازهای دولت‌های ملی در طیف کامل مسائل نظامی ملی و بین‌المللی، دیپلماتیک، سیاسی و اقتصادی است.

اطلاعات عملیاتی: اشاره به اطلاعات مورد نیاز جهت برنامه‌ریزی و هدایت مبارزات در سطح عملیاتی دارد. به طور خاص، این اطلاعات، اطلاعات مورد نیاز برای برنامه‌ریزی، اجرا و پشتیبانی از مبارزات و عملیات‌ها در صحنه عملیات‌ها توسط ستاد مشترک است.

اطلاعات تاکتیکی: اطلاعاتی که جهت برنامه‌ریزی و هدایت عملیات‌های تاکتیکی مورد نیاز است. اطلاعاتی که از سطح مرکز فرماندهی تشکیلات گرفته تا سطوح پایین‌تر مورد استفاده قرار می‌گیرد و در حوزه تشکیلات مورد نظر یا جهت استفاده واحدهای تاکتیکی تولید می‌شود (پژوهشکده اطلاعات راهبردی، ۱۳۸۵: ۳۷ - ۳۸).

مفهوم اطلاعات راهبردی و چیستی آن

اطلاعات به معنای داده‌ها و یا اخبار و معلومات از نظر جایگاه و کارکردی که می‌توانند در سطوح متفاوت ایفا نمایند، قابل سطح‌بندی و گونه‌شناسی هستند. گرچه تمامی سطوح اطلاعات می‌توانند واجد داده‌هایی باشند که سطح ادراکی و شناختی یک سازمان، یک ساختار و یا مجموعه ملی را برای پایداری و بقا، ارتقاء سطح دانش و یا شناخت مشکلات و یا روندها و فرایندها ارتقاء بخشند، اما قطعاً اطلاعات به دلایل ارزشی، کارکردی و راهبردی قابل سطح‌بندی هستند. بالاترین سطح اطلاعات، داده‌هایی است که واجد مختصات کارکردی و راهبردی در

سطح پایداری و یا ارتقاء موجودیت و یا حیات سیاسی و استراتژیک قابل تعریف هستند. چنانچه در پی ارائه تعریفی از اطلاعات راهبردی باشیم می‌توان تأکید کرد: اطلاعات راهبردی عبارت از دانشی است که روابط خارجی ملت ما باید در زمان جنگ و صلح بر پایه آن استوار باشد. در نگاهی دیگر می‌توان دربارهٔ اطلاعات راهبردی گفت: «پژوهشی کاربردی درباره پدیده‌های خاص است تا دانش به دست آمده، در زمان مناسب به عملیات در جریان کمک کند و بنیانی برای بازنگری در سیاست‌ها و قوانین ارائه دهد.» (داوئل، ۱۳۹۴: ۴۷). بنابراین از نگاه داوئل، اطلاعات راهبردی شامل «اطلاعات عمیق، پدیده‌گرا و تحقیقاتی است.» (داوئل، ۱۳۹۴: ۴۵). به تعبیری دیگر می‌توان تأکید کرد «اطلاعات راهبردی شامل آن دسته از اطلاعات است که روند تحقق اهداف ملی در سطوح عالی را ممکن می‌سازند.» اطلاعات راهبردی شامل طیف گسترده‌ای از اطلاعات را شامل می‌گردد که عبارت است از: «مطالعه عواملی که در جریان بکارگیری نیروها برای نیل به اهداف راهبردی اهداف ملی تأثیرگذار می‌باشد» (مرادیان، ۱۳۸۵: ۱). بنابراین اطلاعات راهبردی چه در سطوح خُرد و در سطح سازمان‌های ملی و چه در سطح کلان که شامل اطلاعات در سطوح ملی، فراملی، سرزمینی و فراسرزمینی است، متضمن داده‌ها و اطلاعاتی است که می‌تواند تحقق اهداف را تسهیل و یا با امتناع و انسداد مواجه سازد. از آنجا که عوامل، زمینه‌ها و شرایطی که منشأ تحقق اهداف در سطح سازمانی و ملی می‌گردند محدود به هیچ عرصه‌ای نمی‌گردد، به همین دلیل اطلاعات راهبردی نیز صرفاً محدود به عرصه‌های نظامی نبوده بلکه متضمن کلیه اطلاعاتی است که می‌تواند در فرایند تحقق اهداف مداخله و آن را در جهت مثبت و یا منفی مقید و مشروط نماید. به همین دلیل دایره اطلاعات راهبردی وسعت و دامنه گسترده‌ای به خود می‌گیرد و دربرگیرنده تمامی عرصه‌های داخلی و بین‌المللی می‌گردد. مأموریت‌های بنیادین اطلاعاتی است که حیطة و دامنهٔ اطلاعات راهبردی را تعیین می‌نماید. چنانچه این ابعاد به درستی تبیین و توصیف گردند، تشخیص حیطة و ابعاد کارکردی اطلاعات راهبردی مشخص می‌گردد. سه مأموریت کلیدی اطلاعاتی عبارتند از: «گردآوری و تحلیل (قلب و روح اطلاعات)» «ضداطلاعات» و «عملیات سُرّی» یا اقدام پنهان. (علی‌خانی، ۱۳۹۴: ۱۵۸).

کسب اطلاعات راهبردی و تکمیل فرایندهای که منجر به تصمیم‌گیری صحیح در سطح ملی و امنیت ملی شود، جایگاه این اطلاعات را در سطح امنیت پایدار کشور تثبیت می‌نماید. بنابراین می‌توان تأکید کرد اطلاعات، خود در جایگاه قدرت و یا به مثابه ابزاری برای قدرت و با استحکام و پایداری

آن محسوب می‌شود. به تعبیر فوکویی اطلاعات ابزار دولت برای اعمال قدرت به شمار می‌رود. اما نمی‌توان این واقعیت را کتمان کرد که ارزش بنیادین اطلاعات به‌ویژه در سطح راهبردی انطباق آن با واقعیت است. بنابراین هرگونه تصمیم‌گیری، درک صحیح از واقعیت‌ها، آگاهی از مسائل، تهدیدات و روندهای امنیتی، ادراک صحیح از فرایندها و انتخاب الگوی دقیق برای تصمیم‌گیری، سیاست‌گذاری و راهبردپردازی چه در محیط داخل و چه در واکنش در برابر الگوهای رقبا در فضای بین‌المللی و محیط امنیتی خارجی بستگی کامل به گردآوری و تکمیل فرایندهای اطلاعات راهبردی دارد. «تعامل بین استراتژیست‌ها و اطلاعات، اغلب به مفهوم اطلاعات راهبردی فرو کاسته می‌شود. این مفهوم به موضوعاتی مانند تحولات و نیت سیاسی، عوامل اقتصادی، ارزیابی‌های نظامی رابطه مبتنی بر اتحاد در یک دولت (و در مواردی بازیگران فرو ملی) اشاره دارد» (Hughes, 2014). بسیاری اعتقاد دارند «اطلاعات در سطح استراتژیک برای اتخاذ تصمیمات و دفاع از منافع ملی حتی از اطلاعات عملیاتی اهمیت بیشتری دارد». اطلاعات در سطح تاکتیکی یا عملیاتی کمتر از اطلاعات در سطح استراتژیک قابل اتکاء است» (Handel, 2001). بنابراین حتی برای فعالیت‌ها و اقداماتی که نیازمند اطلاعات تاکتیکی و عملیاتی نیز هست، دسترسی به اطلاعات راهبردی بسیار اهمیت دارد. نمونه این نوع نیازها امروزه در صحنه مبارزه با تروریسم، دستیابی به فناوری‌های استراتژیک، مقابله با نفوذهای عملیاتی و دفاع از منابع اطلاعاتی در برابر برنامه‌های متنوع جریان‌های رقیب، اهمیت و نقش اطلاعات راهبردی در حوزه‌های عملیاتی و راهبردی را به خوبی نمایان می‌سازد.

اطلاعات راهبردی و سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری استراتژیک

اطلاعات بنیان و اساس سیاست‌گذاری هوشمندانه برای چشم‌اندازی آینده و مدیریت محیط و بازیگری دقیق در فرایندهای رقابتی به شمار می‌رود. اطلاعات راهبردی می‌تواند نه تنها فرایند سیاست‌گذاری استراتژیک واقع‌بینانه را تبیین و رویکردها، اهداف و کارکردهای مورد انتظار آن را مشخص سازد بلکه خود به یک نیاز راهبردی در فرایند سیاست‌گذاری در سطوح متفاوت تبدیل شده است. کارکردهای متفاوت اطلاعات راهبردی، اهمیت و جایگاه آن در فرایند سیاست‌گذاری استراتژیک را اجتناب‌ناپذیر کرده است. بنابراین نقش‌ها و اطلاعات راهبردی و تحلیلگر استراتژیک به گردآوری، تحلیل و پردازش اطلاعات محدود نمانده بلکه باید دو نقش مکمل را در تکمیل این فرایند ایفا نماید: الف) اطلاعات راهبردی و آگاهانه برای ممکن ساختن تصمیم‌گیری‌های مربوط به سیاست‌گذاری‌های بلندمدت طراحی شود؛ ب) اطلاعات راهبردی و ابزاری برای پشتیبانی از اهداف

عملیاتی از طریق چشم‌اندازهایی از چالش‌های آینده که اگر در نظر گرفته شوند، اثری مستقیم بر برنامه‌ریزی کنونی خواهند داشت.

این دو نقش را می‌توان به معنای ایفای کارکردی اساسی در مدیریت فرایندهای راهبردی تفسیر کرد که مداماً باید از طریق گردآوری و تحلیل اطلاعات و به‌ویژه اتخاذ الگوهای مناسب راهبردی که مقدمه تصمیم‌گیری ملی است، تکمیل گردد. بنابراین در دنیای پیچیده، ناهمگون، رقابتی مدرن که بازیگران متفاوت در پی به حداکثر رسانیدن توان و ظرفیت‌های خود هستند، سیاستگذاری راهبردی و انتخاب‌های آگاهانه و هوشمندانه مبتنی بر اطلاعات امری اجتناب‌ناپذیر و بنیادین به شمار می‌رود. سیاستگذاری هوشمندانه دسترسی به اطلاعات را به عنوان یک زیرساخت اساسی ایجاب می‌کند به‌ویژه آنگاه که ضرورت‌های تحلیلی و آینده‌شناختی برای تعمیق جایگاه و یا صیانت از ارزشهای اساسی را به امری بنیادین در فرایند سیاستگذاری مبدل می‌سازد.

اطلاعات راهبردی و امنیت ملی

عصر جدید را می‌توان عصر اطلاعات، عصر هوشمندسازی، عصر دانش، تکنولوژی و علم، عصر برآورد و رقابت و عصر تعمیق تابع قدرت، عصر یگانگی‌ها و گسستگی‌ها عصر میل به مدیریت از درون، عصر مهندسی ذهن، افکار، رفتارها و روابط، عصر جابه‌جایی هویت‌ها و جایگزینی هویت‌ها، عصر تردیدها و تغییرها، عصر برآمدن گفتمان‌ها و اندیشه‌ها و ایدئولوژی‌ها و ... دانست. از مختصات اساسی این عصر تغییر در جایگاه، اهمیت، معنا، منابع و روابط قدرت است که می‌تواند ساخت قدرت را در سطوح متفاوت با تغییر، تحولات و دگرگونی‌های نرم‌افزاری و سخت‌افزاری مواجه سازد. تمامی دولت‌ها بویژه قدرت‌های بزرگ از علم، اطلاعات، دانش و تکنولوژی به عنوان ابزاری برای بسط نفوذ و هژمونی خود بهره می‌گیرند تا بتوانند استیلاء و اقتدار مورد انتظار خود را تداوم و تعمیق بخشند. اطلاعات مورد نیاز در تمامی عرصه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، علمی، فرهنگی و هویتی اهمیت یافته و تنها محدود به عرصه امنیت نظامی باقی نمانده است. جانسون در این زمینه بیان می‌دارد. اطلاعات اقتصادی هم‌اکنون یکی از حوزه‌های رو به رشد اطلاعات است، آمار منتشره در ایالات متحده نشان می‌دهد که اهداف اقتصادی هم‌اکنون ۴۰ درصد تمام فعالیت‌های جمع‌آوری را به خود اختصاص داده است (Johnson, Loch K., Wirtz, James J. ۲۰۰۴).

امروزه تلاش برای کشف اطلاعات و جمع‌آوری و تحلیل آن به فرایندی بنیادین در روند سیاستگذاری امنیت ملی تمامی کشورها بویژه کشورهای بزرگ تبدیل شده است. با اطلاعات و

ضد اطلاعات است که یک کشور می‌تواند ضمن صیانت از منابع و بنیان‌های خود، ظرفیت‌ها، تحولات و زیرساخت‌های جریانها و بازیگران رقیب را شناسایی نموده و خود را با این شرایط متحول منطبق سازد. گسترش دامنه فعالیت نهادهای امنیتی و اطلاعاتی، ایجاد مراکز و بانک‌های بزرگ اطلاعاتی، ایجاد کانون‌های بزرگ پردازش اطلاعات، ایجاد زیرساختار پردازشگر بزرگ در فضای مجازی جهت دسترسی به اطلاعات آشکار و پنهان و بهره‌گیری از روش‌های پیشرفته برای دسترسی به اطلاعات فوق سری، ایجاد بنیان‌های عظیم نرم‌افزاری برای جذب و سازماندهی نیروهای اجتماعی در داخل کشورها، پیوند زدن روندهای علمی، پژوهشی و تکنولوژیک به سیاست‌های بین‌المللی و تلاش برای محدودسازی دسترسی کشورها به منابع شناختی و داده‌های آماری و اطلاعاتی تماماً گویای اهمیت و نقش اطلاعات در فرایند مدیریت امنیت ملی و راهبردی کشورهاست.

امروزه با افزایش فزاینده و هژمونی اطلاعاتی و بهره‌گیری از وسایل و تجهیزات بسیار هوشمند و نیز با اتکاء به دانش تکنولوژیک بخش زیادی از اطلاعات راهبردی خود را از طریق روش‌های اطلاعاتی مثل هک و نفوذ کسب می‌کنند. این اطلاعات است که به آنها توان و موقعیت منحصر به فردی برای بازسازی سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌های نو بر مبنای آگاهی از ضعف‌ها و آسیب‌های بازیگران مقابل می‌بخشد. بنابراین صیانت از اطلاعات و امنیت داده‌ها برای حفظ و پایداری امنیت ملی کشور، یک زیرساخت و یک الگوی استراتژیک محسوب می‌شود. امنیت داده‌ها و اطلاعات کشور به‌ویژه اطلاعات راهبردی مستلزم بهره‌مندی از الگوی دقیقی است که ضمن پوشش مناسب به تمامی عرصه‌ها و حوزه‌ها، از قابلیت لازم برای تداوم و تعمیق این فرایند برخوردار باشد.

روش‌شناسی پژوهشی

انوع و روش پژوهش

این نوشتار از نوع پژوهش‌های توسعه‌ای- کاربردی است؛ چرا که با رویکردی علمی درصدد است معرفت و دانش بنیادی در این عرصه را به‌ویژه، با تکیه با ادراک‌های معرفتی بومی بازکاوی و یکی از مفاهیم اساسی در حوزه امنیت ملی را مورد کاوش و بررسی دقیق علمی قرار دهد و در توازی با آن در تلاش است، نتایج و ماحصل این پژوهش را با نگاه کاربردی و نحوه استفاده از نتایج آن را متناسب با ضرورت‌ها و نیازهای راهبردی کشور مورد تأمل قرار دهد تا بدین طریق بتوان بنیان‌های اقتدار و تحکیم امنیت را تقویت نمود.

روش پژوهش انتخابی در این مطالعه، روش «اکتشافی» مبتنی بر گراند تئوری^۱ (تئوری زمینه ای، نظریه مبنایی نگرش پایه‌ای یا داده بنیاد) می باشد که از جمله روش های کیفی قلمداد شده که به پژوهشگران در حوزه های موضوعی گوناگون امکان می دهد تا به جای اتکا به تئوری های موجود، خود به تدوین تئوری از طریق تجزیه و تحلیل مقایسه های مشاهدات اقدام میکنند (گلاسر^۲ و استراوس^۳، ۱۹۶۷). بر این مبنا پژوهشگر در صدد است با استفاده از مصاحبه های عمیق با صاحب نظران و همچنین بهره گیری از اسناد و مدارک علمی و پژوهشی، ضمن تعیین ابعاد و شاخص های اطلاعات راهبردی و روند تأثیر آن بر تحکیم امنیت ملی، سؤالات پژوهشی را مورد توصیف، تحلیل و بررسی قرار دهد.

تکنیک گردآوری اطلاعات

اطلاعات مورد نیاز این پژوهش از روش نظریه مبنایی یا گراند تئوری گردآوری شده است. در مورد نظریه مبنایی باید اشاره داشت که گلیرز^۴ و استروس^۵ در اواخر دهه شصت روش نظریه مبنایی را ارائه کردند. آنان بر این عقیده بودند که تئوری های متداول در علوم اجتماعی بیش از اندازه بر اثبات پذیری و آزمون تئوری ها تأکید دارد تا بر کشف مفاهیم (متغیرها) و فرضیه هایی که مبتنی بر داده های واقعی از مشاهده شوندگان باشد (خلیلی شورینی، ۱۳۹۲: ۷۲). نظریه مبنایی یک روش پژوهشی استقرایی^۶ و اکتشافی است که به پژوهشگران در حوزه های موضوعی گوناگون امکان میدهد تا به جای اتکا به تئوری های موجود، خود به تدوین تئوری از طریق تجزیه و تحلیل مقایسه های مشاهدات اقدام میکنند. (Glaser & Strauss: ۱۹۶۷)

جامعه آماری، حجم نمونه و شیوه نمونه گیری

جامعه آماری این پژوهش مطابق اهداف در نظر گرفته شده شامل صاحب نظران، خبرگان و نخبگانی است که آگاهی و توانایی مناسب برای پاسخگویی به سؤالات پژوهش و اهداف در نظر گرفته شده برای آن را دارا باشند. به همین دلیل نخبگان مذکور شامل سه دسته از صاحب نظران و آگاهانی میشود که هم مفاهیم و بنیان های امنیت ملی را می شناسند و هم از دانش و تخصص کافی در عرصه اطلاعات راهبردی و کارکردهای آن در فرایندهای علمی و سیاست گذاری های استراتژیک برخوردارند. این سه دسته نخبه عبارتند از:

- ۱- «کار گزاران و مدیران» دستگاه های امنیتی، سیاسی و راهبردی کشور
- ۲- «خبرگان دانشگاهی» به ویژه آن بخش که در زمینه مفاهیم، تئوریها و چارچوب های امنیت ملی و اطلاعات راهبردی شناخت تخصصی دارند.

1. Grounded theory
2. Glaser
3. Strauss
4. Glaser
5. Straus
6. Inductive

۳- «خبرگان و نخبگان مطلع» که هم شامل کسانی است که کانون مطالعات خود را در این عرصه متمرکز کرده‌اند و هم متخصصانی که در فرایندهای پژوهشی، شغلی و یا برنامه‌ریزی‌های ملی در این عرصه مشارکت و مداخله داشته‌اند.

شایان ذکر است جامعه آماری این پژوهش، شامل اشخاص شاخص در هر سه گروه فوق است که در مجموع حدود ۸۰ می‌باشند. برای تعیین شیوه نمونه‌گیری از روش نمونه‌گیری غیراحتمالی به شکل هدفمند استفاده گردید. با توجه به اینکه روش پژوهش مقاله حاضر، نظریه داده بنیاد بوده است، لذا حجم نمونه در اینجا چندان مدنظر نبود، اما به کلید واژه اطلاعات استراتژیک و امنیت ملی و مضمون جملات آن پرداخته شده و معیار پژوهش برای حجم نمونه، رسیدن به مرحله اشباع نظری در نظر گرفته شد؛ بر این مبنا، پس از آنکه حدود بیست مصاحبه انجام شد، در مصاحبه‌های آخر نکات تازه‌ای از سوی مصاحبه‌شوندگان مازاد بر موارد قبلی دریافت نمی‌شد، لذا روند مصاحبه متوقف گردید.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های حاصل از مصاحبه‌ها که با روش نظریه‌بنیایی گردآوری شده است واجد مراحل گوناگونی بوده است که در این بخش ضمن تشریح این فرایند، نتایج بدست آمده و تحلیل آن در سوالات پنج‌گانه پژوهش ارائه می‌گردد.

در فرایند مصاحبه‌های انجام شده، در پاسخ به این سوال پژوهش که چه ظرفیت‌ها و زیرساخت‌هایی برای دسترسی و بهره‌برداری به اطلاعات راهبردی موردنیاز است؟، اهم پاسخ‌های داده شده در ۱۳ عنوان کلی قابل دسته‌بندی و تلخیص است که از میان آنها سه محور کلی را می‌توان مورد شناسایی قرار داد:

جدول (۱) مقولات و کدهای محوری ظرفیت‌های دسترسی به اطلاعات راهبردی

مقولات	کد محوری
عوامل مربوط به تجهیزات و ظرفیت‌های سخت‌افزاری	A
عوامل و منابع شناختی و تخصصی	B
عوامل فرایندی و روش‌شناختی تسهیل‌کننده	C

«۴ مقوله» در ذیل کد «عوامل مربوط به تجهیزات و ظرفیت‌های سخت‌افزاری» دسته‌بندی گردیده است، «۵ مقوله» در ذیل کد «عوامل و منابع شناختی و تخصصی» و «۴ مقوله» نیز تحت عنوان «عوامل فرایندی و روش‌شناختی» مقوله‌بندی شده است.

جدول (۲) توزیع کدهای محوری و انطباق آن با کدهای مقولات آزاد

کد محوری	کد آزاد	کد محوری	کد آزاد
B	پیشرفت علمی در استفاده از روش‌های پیچیده و گسترده	A	روش‌های نوین جمع‌آوری اطلاعات
A	ایجاد ظرفیت‌های سخت‌افزاری	B	تسلط بر روند تحولات در عرصه‌های مختلف
C	افزایش ارتباط با سازمان‌ها و جریان‌های بزرگ اطلاعاتی	A	بهره‌مندی از پایگاه‌های بزرگ اطلاعاتی پیشرفته
B	شناسایی نیازهای اطلاعاتی	B	آگاهی بر تحولات محیطی و وقایع آینده
C	ایجاد تنوع در فرایندها و ابزارها	C	پرداختن تخصصی به روند فرایندهای اطلاعاتی
A	خلق تکنولوژی‌های پیشرفته	C	دانش مدیریت صحیح اطلاعات و شناخت خلأها و ضعف‌ها
		B	ارتقا توان علمی در آنالیز اطلاعات

بر این مبنا می‌توان گفت در مجموع، نتایج حاصل از پژوهش کیفی بر مبنای نظریه مبنایی در زمینه زیرساخت‌ها و ظرفیت‌های مورد نیاز برای دسترسی و بهره‌برداری از اطلاعات راهبردی مبین آن است که دسترسی و بهره‌برداری از اطلاعات راهبردی مستلزم بهره‌مندی از عوامل و منابع سخت‌افزاری و نرم‌افزاری است که باید بطور مستمر نوسازی شده و زیرساخت‌های لازم به‌ویژه در حوزه روش‌شناسی مناسب هم در کسب شناخت لازم و هم در بهره‌گیری و امکان پردازش و بهره‌برداری از اطلاعات فراهم آمده و تمهید گردد.

از مجموع آنچه توسط صاحب‌نظران در پاسخ به این سوال که «چه عواملی در تعیین سطح و نوع نیازهای یک کشور به اطلاعات راهبردی تأثیر دارند؟» ابراز شده می‌توان ۲۲ عنوان موضوعی جداگانه را از یکدیگر تفکیک کرد. برخی از این عوامل به شرایط محیطی، واقعیتهای ژئوپولیتیک، اندازه ظرفیت‌ها و منابع قدرت در یک کشور بستگی دارد و بخشی نیز گویای نوع مخاصمات، الگوهای راهبردی دشمنان و ابعاد نرم‌افزاری ناشی از تضادهای گفتمانی و منافع بازیگران متفاوت است. با تأمل و بررسی شاخص‌ها و عوامل تأثیرگذار بر سطح نیازهای یک کشور به اطلاعات راهبردی و مطالعه همسویی بین مؤلفه‌های ابراز شده، در یک نگاه اجمالی و پس از ترکیب مؤلفه با یکدیگر میتوان عوامل تأثیرگذار بر سطح و نوع نیازهای اطلاعات راهبردی را در ۴ مقوله کلی به شکلی که در جدول ذیل آمده است، دسته‌بندی و از یکدیگر تفکیک کرد.

جدول (۳) مقولات و کدهای آزاد و محوری عوامل تعیین کننده نیازهای اطلاعات راهبردی

کد محوری	مقولات
A	سطح تهدیدات یک کشور
B	اهداف، موقعیت و ظرفیت‌های یک کشور
C	الگوها و سطح تعارضات قدرت‌های بزرگ علیه یک کشور
D	تمایزات و تعارضات در محیط امنیتی یک کشور

توزیع هر یک از عوامل و انطباق آن با کدهای آزاد در جدول ذیل مشخص گردیده است:

جدول (۴) توزیع عوامل در مقولات و کدهای آزاد و محوری

کد محوری	کد آزاد	کد محوری	کد آزاد	کد محوری	کد آزاد
C	همکاری و اتحاد قدرت‌های بزرگ علیه یک کشور	B	جغرافیای سیاسی و شرایط ژئوپلتیک کشور	A	عدم شفافیت در روند تحولات آتی محیط امنیتی
D	فعالیت بازیگران داخلی و منطقه‌ای علیه امنیت ملی	A	میزان چالش‌ها و مسائل موجود در امنیت ملی	C	نوع روابط و پیوندها با قدرت‌های بزرگ
C	بگانگی و همسویی بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای علیه منافع کشور	B	میزان دسترسی به منابع قدرت	D	همکاری و مشارکت کشورهای منطقه علیه منافع ملی
D	وجود بازیگران مختلف در محیط امنیتی	A	شناخت خلأهای اطلاعاتی تهدیدکننده	B	میزان تأثیرگذاری کشور در منطقه
B	مقاصد راهبردی در محیط امنیت داخلی و منطقه‌ای	D	وجود اغتشاشات و ناآرامی‌ها (بحران) منطقه‌ای	C	اختلاف نظرها و رویارویی کشورهای بزرگ
A	تعیین قلمرو تهدیدات	C	اختلافات رویکردی و نظری با قدرت‌های بزرگ	A	بکارگیری بازیگران داخلی در تعمیق تهدیدات و روندهای امنیتی
		A	پیشینه تهدیدات یک کشور	D	بهره‌مندی کشورهای منطقه از منابع قدرت
		D	میزان مشکلات و کشمکش‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای	C	وابستگی و عدم وابستگی به قدرت‌های بزرگ

لذا قابل استنباط است که عوامل گوناگونی می‌توانند سطح و نوع نیازهای یک کشور به اطلاعات راهبردی را تحت تأثیر قرار دهند. وسعت نیازها و تنوع آن بستگی به دایره تهدیدات، وجود بازیگران متفاوت، وجود زیرساختهای تعارض آمیز رویکردی و گفتمانی و سطح برنامه‌ها و اهداف کشورهایی بستگی دارد که در محیط امنیت داخلی و منطقیهای دارای منافع، رفتار و رویکردی تعارض آمیز هستند. بنابراین نیاز به اطلاعات تابعی است از سطح تخصصات و تعارضات بازیگران مقابل و ضرورت‌های راهبردی کشور.

در پاسخ به سؤال مربوط به نوع اطلاعات موردنیاز در محیط امنیت داخلی و خارجی، پاسخگویان به موارد و موضوعات متفاوتی اشاره کرده‌اند که جمعاً در ۲۴ عنوان متفاوت قابل تفکیک هستند. با بررسی و مطالعه عناوین و موضوعات ۲۴ گانه‌ای که مورد اشاره پاسخگویان این پژوهش در مصاحبه‌های عمیق قرار گرفته، همسویی‌هایی مشاهده می‌شود که می‌توان آنها را در قالب‌های جدیدی مقوله‌بندی و کدگذاری نمود. مجموع این عناوین و موضوعات بیان شده را میتوان در ۵ مقوله کلی که در جدول ذیل ارائه شده است مقوله‌بندی کرد.

جدول (۵) مقولات محوری سرفصل انواع اطلاعات راهبردی موردنیاز

کد محوری	مقولات
A	شناخت وضعیت بازیگران امنیتی تأثیرگذار بر محیط امنیتی
B	شناخت الگوها، استراتژی‌ها و اقدامات بازیگران و رقبای امنیتی
C	شناخت ظرفیت‌ها، امکانات و روش‌های رقبای امنیتی
D	شناخت روندها، تحولات و مسائل امنیتی
E	شناخت و برآورد از وضعیت شاخص‌های امنیت داخلی

بر مبنای مقولات ۵ گانه فوق هر یک از موضوعاتی که کدگذاری آزاد شده‌اند را می‌توان در یکی از این مقولات جایگذاری و موقعیت کدمحوری آن را مشخص ساخت:

جدول ۶: توزیع انواع اطلاعات در مقولات آزاد و محوری

کد محوری	کد آزاد	کد محوری	کد آزاد	کد محوری	کد آزاد
B	شناخت اهداف بازیگران معارض	C	شناخت گفتمان‌های امنیتی بازیگران مقابل	B	شناخت الگوها و روش‌های تهاجم به منافع ملی
E	شناخت فرصت‌های موجود یا ناپدید	E	شناخت نقش بازیگران متعدد بر روندها و مسائل امنیتی	B	شناخت الگوهای مشترک بازیگران معارض
A	تعیین روابط بین بازیگران با قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای	A	آشنایی با رویکرد و اهداف بازیگران فرامنطقه‌ای	E	شناخت بازیگران فعال در محیط داخلی
B	شناخت الگوهای نوین براندازی	D	شناخت روندهای امنیتی	B	شناخت استراتژی و برنامه‌های بازیگران فرامنطقه‌ای در عرصه‌های گوناگون
C	شناخت نوع امکانات بازیگران مقابل	D	شناخت روندها و تحولات اقتصادی تأثیرگذار بر امنیت ملی	E	شناخت چالش‌های جاری در محیط امنیت داخلی
D	شناخت فرایندهای تأثیرگذار بر امنیت داخلی	A	آگاهی از موقعیت بازیگران فعال منطقه	C	شناخت اقدامات بازیگران فرامنطقه‌ای در محیط امنیت منطقه‌ای
A	شناسایی تضادها و همسویی بازیگران فرامنطقه‌ای	D	شناخت مسائل، بحران‌ها و روندهای امنیتی	A	اشراف بر روابط و همبستگی‌ها و شکاف بین بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای تأثیرگذار
B	شناخت جنگ‌های نوین	E	شناخت مسائل و تهدیدات ناپدید در عرصه‌های متفاوت	D	شناخت تحولات علمی تأثیرگذار بر امنیت کشور

بر این مبنا می‌توان گفت، نتایج حاصل از پژوهش در زمینه نوع اطلاعات مورد نیاز برای شناخت و آگاهی از محیط امنیت داخلی و خارجی حاکی از آن است که: شناخت وضعیت بازیگران امنیتی تأثیرگذار بر محیط امنیتی، یکی از مؤلفه‌ها و بنیان‌های اصلی جمع‌آوری اطلاعات به شمار می‌رود که مشتمل است بر آگاهی از شکاف و یا همبستگی بین بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، آشنایی و آگاهی از اهداف راهبردی بازیگران غیرمنطقه‌ای و فعالان منطقه‌ای و روابط بین آنها و بالاخره تضادها و همسویی با بازیگران فرامنطقه‌ای. مهمترین ابعاد و شاخصه‌ایی است که برای شناخت محیط امنیتی ضرورت دارد. در کنار این شناخت، شناخت الگوها، استراتژی‌ها و اقدامات بازیگران و رقبای امنیتی برای آگاهی از الگوی مشترک بین آنها، شناخت اهداف و مقاصد اساسی آنها در محیط امنیتی، آگاهی از الگوهای نوین براندازی در جنگ‌های نوین، از ضرورت‌ها و بنیان‌هایی

است که برای شناخت محیط امنیتی ضرورت دارد. اما در این میان نباید از شناخت ظرفیت‌ها، امکانات و الگوهای روش شناختی رقبای منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای برای آگاهی از استراتژی‌ها و برنامه‌ها، اقدامات آنان در محیط امنیتی و نیز شناخت گفتمان‌های امنیتی‌ای که در نقش بنیان رویکردی آنان منشأ اقدامات و سیاست‌های آنان است، غافل شد. در این میان، از جمله زیرساخت‌های شناختی‌ای است که می‌تواند منشأ تکمیل اطلاعات و برنامه‌ریزی‌ها باشد، «شناخت روندها، تحولات و مسائل امنیتی» است. بدین منظور باید با تمرکز روی موضوعاتی مثل شناخت تحولات علمی تأثیرگذار بر امنیت کشور، شناخت روندهای امنیتی و اقتصادی، آگاهی از مسائل و بحران‌ها و بالاخره شناخت فرایندهای تأثیرگذار بر امنیت داخلی، این هدف تحقق شده و از خلأهایی که می‌تواند اشراف اطلاعاتی را با اختلال و منشأ آسیب‌پذیری امنیتی باشد ممانعت کرد. بر این مبنا می‌توان اذعان نمود که شناخت و آگاهی از محیط امنیت اعم از داخلی و خارجی که می‌توانند روند و فرایندهای امنیتی یک کشور را تحت تأثیر قرار دهند برای شناخت و تشخیص فرایندها و روندهای امنیتی ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. در تکمیل این فرایند هم شناخت روندها، فرایند و بازیگران و الگوهای آنها ضرورت دارد و هم شناخت امکانات، منابع و اقداماتی که در محیط امنیتی توسط بازیگران منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای انجام می‌گردد.

در پاسخ به سوال «نقش و کارکردهای شناختی اطلاعات راهبردی در عرصه امنیت ملی کدامند؟»، پاسخگویان کارکردهای متنوع و گوناگونی را برای اطلاعات راهبردی در عرصه‌های امنیتی قائلند. برخی از کارکردهای ارائه شده مربوط به زمینه‌ها و شرایطی است که می‌تواند در فرایند شناخت مسائل و روندهای امنیتی تأثیرگذار باشند، برخی نیز به فرایندهای اطلاعاتی اشاره دارد که برای تشخیص و مدیریت راهبردی مسائل و تهدیدات امنیتی ضرورت دارد. در مجموع، موضوعات و کارکردهای ۲۲ گانه‌ای را پاسخگویان به زبان‌ها و بیان‌های متفاوت و یا با اشارات مستقیم و غیرمستقیم به عنوان کارکردهای اطلاعات راهبردی در عرصه امنیتی معرفی کرده‌اند. با تأمل در نظرات پاسخگویان این امر مشخص می‌گردد که برخی از کارکردها مربوط به روندهای «تشخیصی و شناختی» است و برخی کارکردها نیز بر ابعاد «تحلیلی» مدیریت پدیده‌های امنیتی اشاره دارد؛ بنابراین می‌توان کلیه پاسخ‌های ارائه شده را در کدگذاری محوری ذیل دو دسته کلان یا دو نوع کارکرد متمایز مقوله‌بندی کرد.

جدول (۷) مقولات و کدهای محوری مربوط به کارکردهای شناختی اطلاعات راهبردی در

عرصه امنیتی

کد محوری	مقولات
A	سطح تهدیدات یک کشور
B	اهداف، موقعیت و ظرفیت‌های یک کشور
C	الگوها و سطح تعارضات قدرت‌های بزرگ علیه یک کشور
D	تمايزات و تعارضات در محیط امنیتی یک کشور

بر مبنای دو مقوله مذکور پاسخ‌ها و نظرات پاسخگویان نسبت به کارکردهای اطلاعات راهبردی در جدول ذیل تنظیم و مقوله‌بندی شده است.

جدول (۸) توزیع کارکردهای شناختی اطلاعات راهبردی در عرصه امنیتی بر اساس

کدهای آزاد و محوری

کد محوری	کد آزاد	کد محوری	کد آزاد	کد محوری	کد آزاد
A	تشخیص واگرایی و همگرایی در محیط امنیتی	B	آینده‌نگری از تحولات محیط امنیت داخلی و منطقه‌ای	A	تشخیص روندهای امنیتی جدید
A	تشخیص شیوه‌های نوین امنیتی	A	تشخیص الگوهای نوین اطلاعاتی حریف	B	روندشناسی از مسائل، تهدیدات و اقدامات بازیگران تقابلی
B	پیش‌بینی روندها، تهدیدات و الگوها	B	پیامدشناسی از اقدامات بازیگران مقابل	B	مدل‌سازی از سیاست‌ها و استراتژی‌های کلان حریف
A	تشخیص روندهای تأثیرگذار بر امنیت ملی	B	تبیین و شناخت علل	A	تشخیص بحران‌های پنهان
B	آسیب‌شناسی از راهبردها، رویکردها و سیاست‌ها	A	تشخیص مسائل، چالش‌ها و تهدیدات	B	تحلیل چگونگی تبدیل مسائل غیرامنیتی به امنیتی
A	تشخیص الگوهای نفوذ	A	تشخیص فرصت‌های ناشناخته	A	تشخیص عملیات فریب و سری
A	تشخیص روش‌ها و پروژه‌های حریف	B	ارزیابی از اقدامات و استراتژی‌های ملی	A	تشخیص عوامل و بازیگران تأثیرگذار
				A	تشخیص پدیده‌های نوین امنیتی

نتایج حاصل از پژوهش کیفی بر مبنای نظریه مبنایی در زمینه تأثیرات کارکردی و فرایندهای اطلاعات راهبردی بر تحکیم امنیت ملی، مبین آن است که اطلاعات راهبردی واجد کارکردهای متفاوتی در روند تحکیم امنیت ملی به‌ویژه در حوزه شناختی است. این کارکردها در حوزه‌های شناختی حداقل در دو عرصه بیشترین نقش را در شناخت فرایندهای امنیتی دارد. الف) تشخیص و ب) کارکرد تحلیلی.

«تشخیص» به‌عنوان مهمترین کارکرد در عرصه امنیتی محسوب می‌شود که مشتمل بر عواملی همچون تشخیص روندهای امنیتی جدید، بحران‌های پنهان، عملیات فریب و سری، نقش بازیگران و عوامل تأثیرگذار بر فرایندهای امنیتی به‌ویژه بازیگران ناشناخته و خرد، همچنین تشخیص الگوهای نوین اطلاعاتی که از جانب رقبای طراحی و اجرا می‌شود، مسائل و چالش‌ها، تهدیدات، فرصت‌های ناشناخته، روند همگرایی و واگرایی بین بازیگران، الگوهای نفوذ و بالاخره تشخیص روش‌ها و پروژه‌هایی که توسط حریف در محیط امنیتی اجرا می‌شود، از جمله کارکردهایی است که نقش اطلاعات راهبردی در آن برجستگی دارد و «کارکرد تحلیلی» از ضرورت‌های اساسی سیاستگذاری و مدیریت راهبردی امنیت ملی به‌شمار می‌آید، تحلیل برای روندشناسی از مسائل و تهدیدات بر اقدامات بازیگران، مدلسازی از سیاست‌ها و استراتژی‌های کلان حریفان امنیتی، آینده‌نگری از تحولات احتمالی محیط امنیت داخلی و منطقه‌ای، شناخت پیامدهای اقدامات جاری و یا آینده بازیگران مقابل، ارزیابی دقیق از کارآمدی و تأثیر استراتژی‌های کلی در عرصه‌های داخلی و خارجی، آسیب‌شناسی از راهبردها، اقدامات و برنامه‌های عملیاتی و راهبردی کشور و بالاخره پیشبینی روندها، تهدیدات و الگوهای اجتماعی بازیگران مقابل، از جمله کارکردهای فرایند تحلیل اطلاعات استراتژیک به‌شمار می‌رود.

بر این مبنای می‌توان گفت، اطلاعات راهبردی علاوه بر کارکردهای گوناگونی که می‌تواند در فرایندهای امنیتی ملی داشته باشد در حوزه شناختی دو کارکرد اساسی را عهده‌دار است. با تشخیص به‌هنگام مسائل، تهدیدات و روندهای امنیتی و ضرورت‌هایی که الگوها و یا سیاستگذاری نوین را اقتضا می‌نماید در کنار تحلیل اطلاعات برای بازشناسی روندها، شناخت پیامدهای الگویی حریفان، پیشبینی از روندهای آتی تأثیرگذار بر محیط امنیت کشور و ارزیابی از سیاست‌ها و راهبردهای خود و حریفان در متن این کارکردها قرار دارند. بخش زیادی از روندهای راهبردی امنیت ملی به این دو کارکرد اساسی که شامل تشخیص و تحلیل مسائل امنیتی است، بستگی دارد. اما در

پاسخ به سوال دیگر این پژوهش تحت عنوان «اطلاعات راهبردی واجد چه کارکردها و تأثیراتی در عرصه امنیت ملی است؟»، نتایج بدست آمده گویای آن است که پاسخگویان که نگاه نسبتاً کارشناسانه و تخصصی‌ای به موضوع امنیت ملی داشتند، کارکردها و نقشه‌ای متکثری را در این زمینه معرفی کردند. گرچه تمامی رویکردهای ارائه شده از اهمیت زیادی برخوردار بود ولی در جمع‌بندی نظرات پاسخگویان مجموعاً ۴۵ شاخص و موضوع به عنوان کارکرد اطلاعات راهبردی معرفی گردید که از تنوع بسیار زیادی برخوردار است و ابعاد و عرصه‌های امنیت ملی و همچنین فرایندهای گوناگون امنیتی را دربر می‌گیرد. از آنجا که مؤلفه‌های ۴۵ گانه واجد تنوع بودند و هر یک کارکردهای گوناگون اطلاعات را مورد توجه و بازنمایی قرار می‌داد، تلاش شد بر مبنای همسویی‌ها و تأکیدی که از نظر مضمونی واجد معنا و کارکرد مشترکی بودند، در مقولات همسو دسته‌بندی و مقوله‌بندی شوند. در مجموع و بر اساس آنچه پاسخگویان مورد تأکید داشتند مجموعاً این عناصر و مؤلفه‌ها را میتوان در ۹ کارکرد جداگانه مقوله‌بندی کرد. شرح مقولات بدست آمده در جدول ذیل ارائه شده است که شامل ابعاد، کارکردها و اقدامات امنیتی‌ای متفاوتی میگردد که از نظر پاسخگویان وابسته به اطلاعات راهبردی است. نحوه توزیع و شاخص‌های کارکردی هر یک از مقولات ۹ گانه در جدول زیر تنظیم و ارائه شده است:

جدول (۹) مقولات و کدهای محوری مربوط به کارکردهای اطلاعات راهبردی

کد محوری		کد محوری	
F	عملیات اقدامی	A	سیاستگذاری
G	مدیریت تهدیدها و مسائل	B	راهبردپردازی
H	نوسازی و تکمیل اطلاعات (راهبردی) استراتژیک	C	گفتمان‌سازی
I	اطلاع‌رسانی و عملیات روانی	D	نظریه‌پردازی
		E	ساخت‌یابی نوین

توزیع کارکردها اطلاعات راهبردی از منظر پاسخگویان بر اساس کدهای آزاد و محوری بدین شرح است:

جدول (۱۰) توزیع کارکردهای اطلاعات راهبردی بر اساس کدهای آزاد و محوری

کد محوری	کد آزاد	کد محوری	کد آزاد
A	انتخاب رویکرد تولید منابع قدرت ملی	F	ساماندهی اجتماعی
F	تعیین مدل‌های پیشگیرانه صیانتی و دفاعی	G	مدیریت تهدیدات عملیاتی- امنیتی و تروریستی
A	جهت‌گیری در برابر آینده محیط امنیتی	B	راهبرد گسترش اقتدار علمی
B	بازدارندگی در برابر تهاجمات دشمن	A	جهت‌گیری متناسب با تحولات محیط امنیتی
C	انتخاب گفتمان دفاع	I	ارتقا دانش در برابر تهدیدات
F	اقدامات ضد اطلاعاتی	E	ایجاد ساختارهای نوین ارتباطی
I	افزایش اطلاعات کارگزاران کشور در مسائل امنیتی	D	تعیین رویکرد پیشرفت و توسعه
E	تعیین ساختارهای هوشمند اجرایی	D	انتخاب دیدگاه‌های نظم و ساماندهی سیاسی
F	عملیات اطلاعاتی در محیط خارجی	H	شناخت کارکردهای راهبردهای امنیتی- اطلاعاتی
C	تعیین رویکردهای توسعه اهداف و منافع ملی	A	جهت‌گیری در برابر تهدیدات
E	ساختارسازی نوین نظامی- امنیتی	G	کنترل تهدیدات پنهان
E	ساختارسازی در حوزه اجتماعی- فرهنگی	H	شناسایی الگوهای نوین دشمنان
H	شناخت عرصه‌های امنیتی	D	انتخاب رویکرد معرفتی- هویتی
G	مقابله با تهدیدات راهبردی و نظامی	A	انتخاب سیاست مبانی تحکیم ثبات و نظم
C	انتخاب رویکرد در برابر تهدیدات نرم و سخت	F	دین‌مآسی عمومی
D	تعیین دیدگاه استحکام قدرت	B	پیشگیری در محیط امنیت داخلی
E	ایجاد ساختار متناسب با تحولات امنیتی	H	اشراف بر روش‌های جدید اطلاعاتی
I	عملیات روانی	I	افزایش آمادگی در برابر تهدیدات
A	جهت‌گیری سیاست‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای	B	راهبرد توسعه عمق استراتژیک
H	اشراف اطلاعاتی بر عرصه‌های ناشناخته	D	تعیین دیدگاه‌های امنیتی- اطلاعاتی
C	رویکردسازی در برابر تهاجمات دشمنان	G	مقابله با نفوذ و براندازی
I	افزایش آگاهی کارگزاران	B	انطباق با شرایط متحول محیطی
		C	انتخاب رویکردهای امنیتی

بنابراین میتوان تصریح نمود که اطلاعات استراتژیک در عرصه امنیت ملی در نگاه صاحب‌نظران و جامعه نمونه این تحقیق واجد ۹ کارکرد اساسی است که تمامی مراحل، فرایندها، اقدامات، ظرفیت و منابع را در بر می‌گیرد. این ۹ مقوله کارکردی به گونه‌ای اهمیت می‌یابند که هر یک در نقش یکی از بنیان‌های تحکیم بخشی امنیت ملی محسوب میشوند. شایان ذکر است، الگوی اثربخشی

اطلاعات راهبردی مستلزم اجرای زیرساخت‌های ۹ گانه‌ای است که خود ریشه در فرایندهای دقیق جمع‌آوری، تحلیل، پردازش، شناخت محیط و بازیگران در محیط امنیت داخلی و خارجی دارد.

نتیجه‌گیری

نتایج بدست آمده از روش «نظریه مبنایی» مبین ابعاد، شاخص‌ها، موضوعات و مؤلفه‌هایی بود که تلاش گردید بر مبنای بررسی و تأمل به همسویی‌ها و گرایشات معنایی، سرفصل‌ها و شاخصه‌ای ارائه شده با استفاده از کدگذاری آزاد و محوری در ذیل مقولات متعدد دسته‌بندی شود. بر مبنای نتایج حاصل از پژوهش واجد نکات، ظرائف و دقایقی است که می‌توان در سرفصل‌های زیر به آن اشاره کرد:

۱. نتایج بدست آمده گویای این حقیقت است که اطلاعات راهبردی واجد کارکردهای متفاوتی در فرایند استحکام بخشی و امنیت ملی است که این کارکردها هم ابعاد سخت‌افزاری و هم ابعاد نرم‌افزاری امنیت را پوشش می‌دهد

۲. مطالعه داده‌ها و نتایج بدست آمده از نظریه مبنایی گویای این واقعیت بود که بسیاری از صاحب‌نظران علی‌رغم بهره‌مندی از دانش تخصصی، تجارب عملی و مدیریتی، فاقد نگرش کامل به ابعاد کارکردی اطلاعات راهبردی نداشته، بلکه کارکردها در ذهنیت آنها بیشتر بر مبنای کارکردهای عملی تجلی یافته بود. با این وصف برآیند نظرات و نتایج بدست آمده از این روش ابعاد عینی و شاخص‌های عملی آنچه را که از طریق مطالعه تئوری‌ها حاصل آمده بود را تکمیل و در شناخت ابعاد و شاخصه‌های کارکردی راهگشایی فراوان داشت.

۳. دسته‌بندی داده‌ها و مقولاتی که از طریق نظریه مبنایی حاصل آمد، برآیند، دقت نظر و تأملات کاربردی کسانی است که هر یک به فراخور مطالعات و یا مسئولیت‌های عملی آن را حاصل آورده‌اند. آنچه بسیار تأمل برانگیز بود اینکه برآیند نظرات و داده‌های حاصل آمده از این روش در چارچوب نظریات و تئوری‌های امنیتی و راهبردی نیز قابل رصد و مشاهده بودند.

۴. نتایج مبین این امر است که پاسخگویان تأکید دارند که فرایندهای اقدامی، تشخیص، سیاست‌گذاری و راهبردپردازی امنیت ملی منوط به کسب اطلاعات روزآمدی است که ادارک واقع‌بینانه‌ای از محیط امنیتی، بازیگران، فرایندها، و روندهای امنیتی فراهم آورد.

۵. نتایج این پژوهش نشان داد برای مفاهیمی که هنوز ادبیات جامعی در مراکز آکادمیک امنیتی ایجاد نشده است، می‌تواند روش مناسبی برای کسب اطلاعات ناشی از تجمیع دیدگاه نخبگانی باشد و خلاءهای آن را مرتفع سازد.

۶. در یک برآیند کلی می‌توان تأکید کرد اطلاعات راهبردی نه تنها، در زمینه‌های شناختی، ادراکی و تشخیص روندها و فرایندها امنیتی و همچنین شناخت محیط امنیتی نقش زیادی داشته باشد، بلکه کسب تحلیل جامع از مقتضیات راهبردی به اتخاذ رویکردهای مناسب مستلزم تحلیل دقیق اطلاعات راهبردی است. هر نوع خلاء در این نوع اطلاعات می‌تواند منشاء اختلالاتی باشد که فرصت‌های امنیتی را محدود و سطح تهدید پذیری را ارتقاء می‌بخشد.

فهرست منابع

منابع فارسی

۱. پژوهشکده اطلاعات (۱۳۸۵)، دکترین اطلاعات مشترک، دانشکده امام باقر (ع)، پژوهشکده اطلاعات
۲. چارتز و دیگران (۱۳۸۲)، تجزیه و تحلیل و ارزیابی اطلاعات، معاونت پژوهشی دانشگاه اطلاعات
۳. خلیلی شورینی، سیاوش (۱۳۹۲) روشهای پژوهش آمیخته، انتشارات یادواره کتاب، چاپ سوم.
۴. دائول، دان مک (۱۳۹۴)، اطلاعات راهبردی در مدیریت اطلاعات، ترجمه معاونت پژوهش تولید علم، دانشگاه اطلاعات
۵. روزنا، جیمز (۱۳۹۰)، انقلاب اطلاعات، امنیت و فناوریهای جدید، ترجمه علیرضا طیب، پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ اول.
۶. علی خانی، علی (۱۳۹۴)، آراء و نظریه‌ها در اطلاعات، دانشگاه اطلاعات، چاپ اول.
۷. عمید، حسین (۱۳۷۹)، فرهنگ عمید، تهران، انتشارات امیر کبیر.
۸. کلهر، رضا (۱۳۸۴)، «اطلاعات راهبردی و تصمیمگیری در حوزه امنیت ملی»، فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات راهبردی، دوره ۸، شماره ۲۸.
۹. گوستاودی‌والک، گلیوم (۱۳۹۲)، اطلاعات هلندی به سوی تدوین چارچوبی کیفی برای تحلیل، ترجمه معاونت پژوهش و تولید علم، تهران، دانشکده اطلاعات، معاونت پژوهش و تولید علم.
۱۰. محسنی، منوچهر (۱۳۸۰)، جامعه شناسی جامعه اطلاعاتی، تهران، نشر دیدار.
۱۱. مرادیان، محسن (۱۳۸۵)، راهنمای جمع‌آوری اطلاعات راهبردی، مرکز آموزشی و پژوهشی صیادشیرازی
۱۲. هرمان، مایکل (۱۳۹۳)، سازمان‌های اطلاعات و امنیت ملی، معاونت پژوهشی دانشگاه اطلاعات
۱۳. هیل، مایکل (۱۳۸۱)، تاثیر اطلاعات بر جامعه، ترجمه محسن نوکاریزی، تهران، نشر چاپار.

منابع لاتین

1. Glaser, Barney G. & Strauss, Anselm L. (1967), the Discovery of Grounded Theory: Strategies for Qualitative Research, Chicago, Aldine Publishing Company.
2. Handel, M (2001), Masters of War: Classical Strategic Thought reverend London: Frank Cass
3. Hughes R. Gerald (2014), Strategists and Intelligence in Rutledge, Companion to Intelligence Studies, London: Rutledge.
4. Johnson, Loch K., Wirtz, James J. (2004), Strategic Intelligence: Windows into a secret world: An anthology, Los Angeles, California, Roxbury Publishing Company.

